

جهان شمولی قرآن و جهانی شدن فرهنگ

ابوالفضل سعادت^۱

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

چکیده

جهانی شدن و پیامدهای گسترده آن در حوزه فرهنگ، یکی از مهم ترین مسائل و چالش های فرهنگی کشورهایی است که درصدد حفظ فرهنگ بومی خود هستند، چرا که انفعال و استحاله فرهنگ های دیگر در اصطکاک با فرهنگی که در فرایند جهانی شدن، تمام دنیا را به سمت خود می برد، اهمیت این فرایند را دو چندان کرده است. از طرف دیگر، بیان رابطه جهانی شدن و آموزه های قرآن که القا کننده جهان شمولی این مکتب است، برای اندیشمندان مسلمان که در عرصه های اجتماعی نظریه پردازی می کنند، بسیار حائز اهمیت است چرا که فرهنگ هایی که ادعای جهانشمولی دارند، چالش های بیشتری با جهانی شدن فرهنگ خواهند داشت. این مقاله درصدد است با تبیین مفهوم جهانی شدن فرهنگ و رابطه آن با فرهنگ غربی، نقش رسانه های ارتباط جمعی را در جهانی شدن فرهنگ نشان دهد تا در پرتو آن بتوان در مورد جهانی سازی که معطوف به اراده ی انسانی است و جهانی شدن که یک فرایند است، قضاوت کرد. بعد از مشخص شدن نقش اراده انسانی در فرایند جهانی شدن، سخن از جهانشمولی قرآن به میان خواهد آمد و در خاتمه، به راهبردهای فرهنگی جهانی شدن فرهنگ قرآنی در سطح بین المللی اشاره خواهد شد.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، قرآن، فرهنگ غرب، جهانشمولی قرآن.

۱. مقدمه و طرح مساله

جهانی شدن بحثی چند بعدی است و بر این باور است که محیط جدیدی در سطح جهانی به وجود آمده است و همه اجزاء و اعضای نظام بین الملل متأثر از این محیط هستند (بایبوردی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۷۸). جهانی شدن، زنجیره ای از دگرگونی هاست که در عرصه بین المللی، بر عرصه های گوناگون فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشورهای مختلف تاثیر گذاشته و با ایجاد محیطی جدید، سیاست، اقتصاد و فرهنگ های متنوع را به چالش می کشند و نتیجه این فرایند، تشکیل جامعه ی واحد جهانی در نظر گرفته خواهد شد.

از بعد فرهنگی جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است (بای، ۱۳۹۲: ۱۴۶). بدیهی است که حوزه فرهنگ به عنوان پشتوانه ایدئولوژی جهانی شدن و وجود مدعیان دیگر، دارای اهمیت خاص خود است، چنانکه امروزه حجم تبدلات وسیع فرهنگی و وسائل ارتباط جمعی، اهمیت فرایند جهانی شدن فرهنگ را بیشتر نمایان کرده است.

تاثیر گذاری، برخورد یا تعامل فرهنگ ها با جهانی شدن فرهنگ، سوالاتی را به دنبال خواهد داشت: آیا جهانی شدن، فرهنگ های مختلف مناطق جهان را به سمت و سوی همسانی و همگونی هدایت می کند؟ آیا جهانی شدن فرهنگ، مبتنی بر ایدئولوژی خاصی است؟ نقش فرهنگ هایی مانند اسلام که ادعای جهانشمولی دارند، در جهانی شدن فرهنگ چگونه است؟ آیا رابطه ای بین جهانی شدن کنونی با جهانشمولی قرآن وجود دارد؟ سیاست راهبردی قرآن برای جهانشمولی چیست و چگونه در عصر حاضر می توان از آن بهره برد؟ و در نهایت، موضع کشورهای اسلامی که بر فرهنگ دینی خویش اصرار دارند، در برابر این فرایند چگونه باید باشد و این فرایند چه فرصت های و یا تهدیدهایی برای فرهنگ اسلامی این کشورها به همراه خواهد داشت؟

این مقاله درصدد است با پاسخ به سوالات مزبور، رابطه جهانی شدن و جهانشمولی قرآن را بیان کرده و راهبردهای فرهنگی جهانی شدن فرهنگ قرآنی را بررسی نماید. از این رو در این نوشتار پس از تعریف جهانی شدن، پیشینه، زمینه های پیدایش و نیز اهمیت و لزوم شناخت این پدیده بیان خواهد شد. جهانی شدن یا جهانی سازی، بخش بعدی این نگاره را تشکیل می دهد تا چهره واقعی جهانی سازی را که در لباس جهانی شدن نمودار شده، نشان دهد و در ضمن آن ابزار و ساز و کار جهانی سازی، بیان خواهد شد. بخش پایانی مقاله با نقش آموزه های قرآن که داعیه جهان شمولی داشته است، سامان یافته و راهبردهای جهانی شدن فرهنگ قرآنی بیان خواهد شد.

۲. مفهوم شناسی

در این بخش، بعد از تعریف فرهنگ، مفهوم جهانی شدن و واژگان نزدیک به آن مانند: جهانیت و جهانی گرایی تبیین می شود.

۲.۱ فرهنگ

فرهنگ به عنوان سرشت توارث گونه ای مطرح شده که در حیات اجتماعی یک جامعه سیالیت داشته و در هنجارهای مذهبی و اخلاقی، روش و منش اجتماعی، تفکرات علمی و فلسفی و سرانجام نمادها و نمادهای هنری تجلی پیدا می کند و به موجب این تعریف، عناصر تشکیل دهنده فرهنگ عبارتند از: مذهب، اخلاقیات، فلسفه، هنر در تمامی اشکال آن چون معماری، موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، ادبیات و... (هرمیداس باوند، ۱۳۸۲: ۹۷) و در تعبیری دیگر: فرهنگ، انعکاس دهنده ارزش ها، سنت ها و هنجارهای پایدار یک جامعه برشمرده شده است (کاظمی، ۱۳۸۲: ۴۶).

۲.۲ جهانی شدن

جهانی شدن از واژگان نوظهوری است که در کنار آن، واژگان مشابه دیگری نیز به کار می روند، از این رو تبیین همه این واژگان و بیان نسبت آنها باعث روشن شدن موضع بحث خواهد شد. اما در مورد تعریف این واژه، هیچ اتفاق نظری بین دانشمندان در مورد تعریف دقیق آن وجود ندارد. برخی به تبیین این مفهوم در چارچوب کلی تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی پرداخته‌اند، در حالی که جمعی دیگر کوشیده‌اند جهانی شدن را به عنوان مفهومی صرفاً اقتصادی تعریف کنند. به عبارت دیگر می‌توان تعاریف ارائه شده را به دو دسته کلی تقسیم نمود که در یک دسته، جهانی شدن به معنای عام آن تعریف شده و دسته‌ای دیگر تنها به جهانی شدن در یک بعد اشاره دارند (مالک، ۱۳۸۲: ۲۶ - ۲۵). معنای عام جهانی شدن را می‌توان به عنوان فرایندی در نظر گرفت که با تعامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همه کشورها، باعث درهم آمیزی اقتصاد، سیاست و فرهنگ جوامع گوناگون شده و در نهایت، مرزها و پیوستگی‌های ملی و دولتی کم رنگ و یا حذف خواهد شد.

برخی محققان، واژگان دیگری را با جهانی شدن مرتبط دانسته‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۲۲۶ - ۲۲۴). طبق این دیدگاه، جهانیت اشاره به پدیده‌ای دارد که با آغاز حیات بشری آغاز گردیده است و پس از گسترش تدریجی اجتماعات و رسیدن ربع مسکون به نقطه‌ای از فشرده‌گی و تراکم جمعیتی و کم شدن فواصل، واقعیت خویش را عیان ساخته است و در درجه اول واقعیتی است مربوط به اشباع کمی جهان و افزایش ارتباط و بستگی آحاد و اجزای تشکیل دهنده آن به هم. اما به نظر می‌رسد که تبیین جهانیت در این دیدگاه، دچار تناقض است. چرا که از یک سو، به عنوان «واقعیتی مربوط به اشباع کمی جهان و افزایش ارتباط و بستگی آحاد و اجزای تشکیل دهنده آن به هم» در نظر گرفته شده است (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۲۳۶) و از سویی دیگر «بدون شکل‌گیری ذهنیتی راجع به اوضاع جدید و رسوخ آن در باور بخش قابل توجهی از مردمان، تحقق عینی آن نفی شده است» (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۲۳۶). بنابراین به نظر می‌رسد عبارت‌های مختلفی چون «کوچک شدن جهان»، «پهنه جهانی پیدا کردن مسائل»، «ظهور در دهکده جهانی»، «سرزمین زدایی»^۵ و «پایان جغرافیا»^۶، که به عنوان معرفی جهانیت مطرح شده‌اند، همگی به جهانی شدن اشاره دارند، هر چند که در اصطلاح، مناقشه نیست. مفهوم نزدیک دیگری که در این دیدگاه مطرح شده است، مفهوم جهانی گرایی یا جهان شمولی^۱ است (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۲۳۶). این تفکیک مفهومی کمک می‌کند تا بدانیم آنچه به عنوان جهانی گرایی مطرح می‌شود، در حقیقت همان مکاتبی هستند که ادعای جهانی گرایی دارند و میزان تاثیرگذاری آنها در فرایند جهانی شدن، باعث می‌شود تا جهانی شدن از قالب یک فرایند، خارج شده و به عنوان «جهانی سازی» مطرح شود. به عبارت دیگر، جهانی سازی، هدایت و رهبری فرایند جهانی شدن است در راستای مکتبی که ادعای جهانی گرایی دارد.

جهانی سازی در برگرفته این معنا و مفهوم است که نیروهای توانمند در راستای علائق و منافع خود به کار همگونی و یکدست‌سازی جهانی پرداخته‌اند و قصد، برنامه و آگاهی معینی پشت این فرایندها نهفته است (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۵).

^۱. Globality

^۲. Minimalization of the world

^۳. Universalization of the problems

^۴. Global Village

^۵. Deterritorialization

^۶. The End of Geography

^۷. Globalism

بنابراین جهانی سازی، فرایندی طبیعی در مسیر تاریخ بشری قلمداد نمی‌شود، بلکه برنامه ای است راهبردی با ایدئولوژی که برای هدفی معین تلاش می‌کند.

۳. پیشینه و زمینه های پیدایش جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن برای نخستین بار در حیطه اقتصاد، در کنفرانس «برتن»^{۱۰} بعد از جنگ جهانی دوم طرح شد. در آغاز دهه ۱۹۷۰ به دنبال طرح «دهکده جهانی» مک لوهان^{۱۱} این مفهوم به صورت ابتدایی و با تمرکز رسانه ها و به ویژه تلویزیون، وارد حوزه ی مطالعاتی شد (رشیدپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۸). رشد شگفت آور تکنولوژی در اموری مانند حمل و نقل، مخابرات و از همه مهم تر انقلاب انفورماتیک در دهه ۸۰ که جایگاه رفیعی به صنعت رایانه بخشید و در پی آن گسترش شبکه اینترنت، ابزار عملی را جهت پیشبرد این پدیده فراهم ساخت (مالک، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۵).

۴. اهمیت و لزوم شناخت این پدیده

جهانی شدن و پیامدهای گسترده آن، یکی از مهم ترین مسائل و چالش ها در حوزه فرهنگ سیاسی کشورها در سطح جهان می باشد. به نظر جهانی گرایان، نظام های ارتباطی جهانی جدید در حال تغییر شکل دادن روابط میان موقعیت های محلی فیزیکی و شرایط اجتماعی هستند، و جغرافیای موقعیتی زندگی سیاسی و اجتماعی را تغییر می دهند، این امور ممکن است در خدمت گسستن یا برکندن هویت ها از زمان ها، مکان ها و سنت های خاص درآیند (هلد و مک گرو، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۵). امروزه داشتن یک دستگاه رایانه شخصی و اتصال به اینترنت، برای برقراری هر گونه ارتباط با محیط جهانی کافی است. و این امر باعث کاهش تصدی دولتها در نظارت بر ساماندهی اطلاعات - که گسترده ترین نقش را در ایجاد و هدایت افکار عمومی دارد - خواهد شد. این تحولات و امکانات ارتباطی، زمینه ساز شکل گیری و افزایش روابط و نهادهایی هستند که اجزا و عناصر اصلی جامعه ای فراملی را در راستای اهداف مجریان این پروژه تشکیل می دهند. گسترش جریان های جهانی و شکل گیری جامعه فراملی، بحران هویت را نیز به دنبال خواهد داشت. با فرسوده تر و نفوذپذیرتر شدن مرزهای ملی، حد و مرزهای هویتی در هم می ریزد و سلطه بلا منازع هویت و فرهنگ ملی مخدوش می شود، و در این عرصه جدید نهادهای ملی یا مذهبی چندان محلی از اعراب نداشته و تلاش برای بازسازی هویت ملی را به جایی نمی برد (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۹۱-۹۰). نتیجه فرایند جهانی شدن، شکل گرفتن جامعه ای فراملی است که اگر در تمام ابعاد آن تحقق یابد، نقش سیاسی و فرهنگی دولتها در آن کاهش یافته و قوانین و ارزشهایی فراملی بر ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن حکمفرما خواهد بود. در مورد اهمیت بعد فرهنگی جهانی شدن می توان به ارتباطات فرهنگی اشاره نمود. به عقیده جهانی گرایان، امروزه سطح، شدت، سرعت و حجم ارتباطات فرهنگی جهانی بی سابقه است. به عنوان نمونه، ارزش صادرات و واردات فرهنگی بارها طی دهه های گذشته افزایش یافته و ارقام اتصال به اینترنت و کاربران آن به طور تصاعدی در حال رشد است به گونه ای که تعداد کاربران اینترنتی از ۲/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۵۰۰ میلیون در سال ۲۰۰۲ رسیده است و در سال ۲۰۲۲ بیش از نصف مردم دنیا به اینترنت دسترسی داشته اند.

^{۱۰}Borton

^{۱۱}Marshall McLuhan

۱۰ جهت مطالعه بیشتر و مقایسه آماری حجم تبادلات فرهنگی مراجعه شود به: دیوید هلد و آنتونی مک گرو، «جهانی شدن و مخالفان آن»، جدول ۱.۳ تا ۴.۳ که گسترش زیرساخت های ارتباطی، کاربرد آن ها و سطوح داد و ستد محصولات فرهنگی عمده را نشان می دهد.

۵. جهانی شدن فرهنگ یا جهانی سازی فرهنگ

تحولات جهانی و یکپارچه شدن فرهنگ ها، دو گونه متصور است: اول آنکه این تحولات به صورت یک فرایند طبیعی اتفاق بیفتد و فرهنگ های متعدد در دنیا، تبادلات فرهنگی داشته باشند و به مرور، یک فرهنگ جهانی شکل بگیرد. دوم آن که این عده ای خاص، سعی کنند که با ابزارها و روش های خاصی، فرهنگ خود را به همه جهان تحمیل کرده و در نهایت، همان فرهنگ به صورت جهانی درآمد و مردم دنیا ذیل همان فرهنگ قرار بگیرند. حال این سوال مطرح می شود: آنچه اکنون در حال وقوع است کدام یک از این دو است؟

جهانی شدن و فرایند طبیعی تبادلات فرهنگی؟

یا جهانی سازی توسط عده ای خاص و سوق دادن فرهنگ ها به سوی فرهنگی مشخص و از قبل تعیین شده؟ برخی پژوهش های گذشته با توجه به آماری که در آن دوره ملاحظه کرده اند،^{۱۱} جهانی سازی را مطرح کرده اند که توسط عده ای خاص و با اراده انسانی در حال وقوع بوده است. از این رو برخی نظریه پردازان معتقدند که تردیدی در گسترش و سلطه فزاینده یک فرهنگ در جهان وجود ندارد، ولی این فرهنگ همان ارزش ها، هنجارها و باورهای قوم محور غربی است که در ظاهری عام و غیرقومی عرضه می شود و به عبارتی دیگر، غرب به واسطه گفتمان های قدرت و غیرسازی، دست اندرکار نوعی امپریالیسم و استعمار فرهنگی است (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۲) به گونه ای که روند کنونی جهانی شدن، به علت نقش آفرینی پررنگ عناصر فعال در جهت دهی به آن عنوان گویاتر جهانی سازی را یافته است (شجاعی زند، ص ۲۴۵).

۶. جهانی سازی فرهنگ غربی و ابزارهای آن

بر پایه نظریه امپریالیسم فرهنگی، گرچه جهانی شدن فرهنگی چونان پدیده ای فراتاریخی و فراملی یا نیرویی متعالی و جهانی نمودار می شود، ولی در واقع چیزی جز صدور کالاها، ارزش ها و اولویت های شیوه زندگی غربی نیست (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۲)، فرهنگی که شاخصه های اصلی آن را: فردگرایی، لیبرالیسم، قانون گرایی، حقوق بشر، آزادی، برابری زن و مرد، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار، بازار آزاد و اقتصاد سود محور بازار تشکیل می دهد (کاظمی، ۱۳۸۲: ص ۴۷). بنابراین جریان های فرهنگی به یک معنا از کشورهای مرکز صادر شده و به جهان نفوذ می کنند. تصاویر، کلمات، ارزش های اخلاقی، ضوابط قضایی، قوانین سیاسی و ملاکهای صلاحیت از واحدهای آفریننده به سوی جهان سوم از طریق رسانه ها (روزنامه ها، رادیوها، تلویزیون ها، فیلم ها، کتاب ها، دیسک ها، ویدئوها) سرازیر می شوند. تولید اصلی جهانی «نشانه ها» در شمال یا در آزمایشگاه های تحت نظارت آنها متمرکز است، یا بر اساس هنجارها و شیوه های آن ساخته می شود (لاتوش، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۴).

اگر ما این نظریه را بپذیریم، باید ابزار آن را مشخص کنیم چرا که جهانی سازی فرهنگ غربی، نیازمند بسترها و ابزارهایی است تا بتواند در سطح دنیا سیطره یابد. روشن است که رسانه های ارتباط جمعی و شبکه های اجتماعی در سالهای اخیر، بستری مناسب برای انتقال فرهنگ غربی به سایر نقاط جهان است. «استقرار تقریباً کامل صنایع فرهنگی در کشورهای اصلی صنعتی غرب و هم چنین صنعتی شدن فرهنگ از طریق کاربرد رسانه ها، شبه انحصار کشورهای شمال را پدید می آورند» (لاتوش، ۱۳۷۹: ۴۸). سلطه رسانه های آمریکایی به حدی است که تقریباً سه چهارم نمایش های تلویزیونی که به سرتاسر جهان صادر می شود، از ایالات متحده می آیند و از هفت رهبر صنعت رسانه ای جهان که در تقریباً همه چیز مداخله می کنند، چهار رسانه آمریکایی هستند.

در صنعت فیلم سازی اگر چه هند فیلم های بیشتری (۸۵۵ فیلم در سال ۲۰۰۰) نسبت به هالیوود (۷۶۲ فیلم) تولید می کند، اما بیشتر آن ها برای تماشاگران داخلی هستند، ژاپن و هنگ کنگ نیز فیلم های فراوانی تولید می کنند، اما

^{۱۱}. آمار مربوطه در گذشته که میزان داد و ستد فرهنگی، تولید فیلم و قدرت رسانه ای، زبان انگلیسی و گسترش آن را در بر دارد، در بخش های بعدی مقاله خواهد آمد.

معدودی از آن‌ها در خارج دیده می‌شوند. هالیوود نه تنها بازار سینمای جهان را در سیطره خود دارد، بلکه تولیدات محلی را هم در خود غرق می‌کند. حتی در ژاپن، سهم آمریکا بیش از نیمی از بازار را تشکیل می‌دهد. فیلم‌های ایالات متحده ۶۳ درصد از درآمد فروش را در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶، با ۵۳ درصد در فرانسه و ۸۱ درصد در بریتانیا به خود اختصاص دادند (لگرین، ۱۳۸۲: ۴۳۴-۴۳۵).

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، ایالات متحده آمریکا کمتر از ۵٪ برنامه‌های تلویزیونی خود را وارد کرده است، در حالی که بیشتر کشورهای دیگر در اروپا و آمریکای لاتین، بیش از ۲۵٪ برنامه‌های خود را فقط از ایالات متحده آمریکا وارد کرده‌اند (گل‌محمدی، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۳).

در حالی که تولیدات فرهنگی برای ارتباط هر چه بیشتر با مخاطبین خود نیازمند زبان مشترک هستند، تفاوت‌های زبانی همچنان سدی در برابر گسترش برنامه‌های تلویزیونی و دیگر محصولات فرهنگی به شمار می‌رود، از این رو سلطه جهانی زبان انگلیسی زیر ساختی زبانی را برای این ارتباط فراهم می‌کند که به اندازه هر نظام تکنولوژیکی برای انتقال آرا و فرهنگ‌ها اهمیت دارد (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۵۳). گسترش زبان انگلیسی و نیز حضور غیر رسمی آن به عنوان زبان ارتباط جهانی (لاتوش، ۱۳۷۹: ۴۸) راه را برای انتقال متون و پیام‌های فرهنگی هموار می‌نماید و ابزارهای قدرتمند اطلاع‌رسانی و آموزشی مدرن در خدمت این فرایند قرار می‌گیرد. طبق برآوردی زبان اول حدود ۳۸۰ میلیون نفر از مردم دنیا زبان انگلیسی است و ۲۵۰ میلیون نفر آن را به عنوان زبان دوم خود صحبت می‌کنند. یک میلیارد نفر در حال یادگیری آن هستند و حدود یک سوم جمعیت جهان با آن آشنا هستند و حدس زده می‌شود تا سال ۲۰۵۰ نیمی از جمعیت جهان کم و بیش در آن ورزیده خواهند بود (لگرین، ۱۳۸۲: ۴۳۷).

با توجه به آماری که در بالا ذکر شد، دیدگاهی که جهانی شدن را، نه یک فرایند طبیعی بلکه جهت دار و تحت سلطه اراده‌ای خاص، در نظر می‌گیرد، منطقی به نظر می‌آید. نکته دیگر آن که آمار مزبور در سال‌های بعد دستخوش تغییراتی شده است و برخی کشورهای دیگر، در عرصه‌هایی مانند فیلم‌سازی رشد قابل توجهی داشته‌باشند، اما به نظر می‌رسد کلیتی که این نظریه ارائه داده، باز هم قابل قبول به نظر می‌رسد یعنی روند کلی جهانی شدن فرهنگی، بیشتر به سوی غربی شدن جهان با همان ارزش‌های غربی است و هنوز هم در عرصه تبادل فرهنگی، قدرت برتر در اختیار فرهنگ غربی است. مویید این مطلب آن است که گسترش اینترنت و شمار کاربران آن، بیش از آن که برای فرهنگ کشورهای دیگر، فرصت ارائه ارزش‌های خود را فراهم کند، به نفوذ بیشتر ارزش‌های غربی کمک کرده است و شبکه‌های اجتماعی بزرگ (مانند: اینستاگرام، فیسبوک و ...) بیشتر سبک زندگی غربی را رواج داده و ارزش‌های غربی را به کشورها و فرهنگ‌های دیگر تزریق کرده است.

۷. جهانی سازی فرهنگ غربی و جهانشمولی قرآن

بنا بر آنچه گفته شد میتوان گفت: جهانی سازی، ریشه در غرب داشته و اصول و مبانی فکری - فلسفی آن همان اصول و مبانی تفکر غرب است که در قالب یک استراتژی و یا ایدئولوژی با جهت‌گیری‌های خاص ظاهر شده است که به باور بعضی احیاناً در تعارض با جهت‌گیریهای دین و مشخصاً اسلام اتخاذ شده و در این سطح نه در حکم یک واقعیت محقق و نه یک فرایند در حال شدن و نه یک نظریه درباره آنها، بلکه به عنوان راهبرد هدفمندی است که بیش از هر چیز از ذخائر ایدئولوژیک خویش ارتزاق می‌کند و بر مبانی عقیدتی خاص ولو به شکل پنهان تکیه زده است (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

در مقابل این مبانی عقیدتی پنهان که پشتوانه جهانی سازی شمرده می‌شود، رقیبان دیگری نیز مدعی جهانی شدن هستند و یکی از قدرتمندترین رقبا اسلام و کتاب قرآن است که داعیه جهانشمولی دارد.

قرآن به عنوان کتاب الهی آخرین دین، دارای ماهیت جهان شمول و عالم‌گیری است که مخاطبان خود را فراتر از مرزهای خونی و خاکی، در میان ابنای بشر و کلیه جوامع انسانی جست‌وجو می‌کند. هر چند در این ادعا، قرآن بیشتر و پیشتر از دیگران تاکید داشته، اما تنها مدعی این مقوله نبوده، چنانکه در کنار قرآن، برخی مکاتب و اندیشه‌های بشری نیز داعیه جهانشمولی و جهانی داشته‌اند. مارکسیسم داعیه‌دار حکومت جهانی پرولتاریا بود که در نهایت به دلایل خاص و از جمله

تعارضات درونی و نارسایی منطق درونی به موزه تاریخ گذاشته شد (سجادی، ۱۳۸۲: ۴۱۰). برخی مدعیان دیگر نیز بودند که داعیه جهانی واحد از بُعد سیاسی داشته اند چنانکه از مدعیانی که خواهان جهانی واحد بودند می توان به ژاپن در دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰، امپریالیسم انگلیس و آلمان نازی اشاره کرد که اینان نیز خواهان جهان واحدی بوده اند. هم چنین امپراتوری های بزرگ و ادیان جهانی نیز با درجات متفاوتی از صراحت، مبلغ جهان واحدی بوده اند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۶۱). اگرچه قرآن همواره داعیه جهان شمولی داشته است لیکن در دنیای معاصر، فرهنگ غربی توانسته است که جهانی شدن را به سوی جهانی سازی با عناصر غربی به پیش برده و داعیه جهان شمولی آن بیش از دیگر مکاتب جلوه گر شده است. در چنین وضع و احوالی، گفتمان سیطره فرهنگی جهانی قرآن، که قرار بود از موضع فعال به ترسیم آینده جهان مبادرت نماید، در یک موضع انفعالی جا داده شد.

موضع انفعالی مزبور را در آراء و مواضع اندیشمندان مسلمان در مواجهه با جهانی شدن به خوبی می توان مشاهده کرد. امروزه مساله اصلی جهان اسلام، گسترش و بسط فرهنگ قرآنی نیست، بلکه پرسش از نحوه گسترش فرهنگ قرآنی، به سوال از چگونه مسلمان ماندن تغییر جهت داده است! (سجادی، ۱۳۸۲: ۴۱۰)

اما اگر این واقعیت که جهانی شدن - و نه جهانی سازی - بذاته و از نظر ماهوی یک فرایند تاریخی است که بر بنیان توسعه و پیشرفت خیره کننده تکنولوژی ارتباطی شکل گرفته، و تاریخ تا کنون دهها بار شاهد چنین ادعاهایی بوده که به شکست انجامیده^{۱۲}، می توان امیدوار بود که این موضع انفعالی به موضعی فعال و پویا تغییر جهت داده و دوباره تلاش ها برای بسط فرهنگ قرآنی آغاز شود. خصوصا که بعضی اندیشمندان معتقدند که آموزه های غربی ظرفیت جهانی شدن را نداشته و فرهنگ کنونی غرب با ابزار صنعت و فن آوری است که توانسته رهبری جهانی شدن را به دست گیرد و حال آن که به باور بعضی، غرب نمی تواند وعده های فراوانش را برآورده سازد و جهانی آرمانی برای بشریت به ارمغان آورد. هر چند ماشین کمپرسور غربی به ظاهر همه چیز را به ویرانه تبدیل می کند، اما برجستگی فرهنگ های له شده به غبار تبدیل نشده و از بین نمی رود، بلکه منتظر زمانی است که دوباره جوانه زده و سر برآورد، گو این که، این کمپرسور قدرتمند غرب نیز جز در زمین انعطاف پذیر فرو نخواهد رفت (لاتوش ۱۳۷۹: ۱۵۳).

بنابراین فرهنگ های غنی و تمدن های بزرگ به راحتی به جهانی سازی غربی تن در نداده و علیرغم امکانات اندک خود در مقابل رقیب مقاومت خواهند کرد. فرهنگ اسلامی می تواند با برنامه ریزی و اتخاذ سیاست های اصولی، این موج جهانی سازی را در هم شکسته و حتی آن را رهبری و مدیریت نماید (طالقانی، ۱۳۸۲: ۲۱۹) چنانکه برخی نیز به وجود چنین رقیبی اذعان نموده اند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۶۱).

از این رو باید توجه داشت که هر چند تبلیغات افسون گر غرب همه متصدیان فرهنگ های دیگر را به رخوت و سستی کشانده و با نمایش فن آوری های برتر خود، جایی برای تبلیغ سایر فرهنگ ها نگذاشته است، لیکن کشورهای اسلامی می توانند با برنامه ریزی و اتخاذ سیاست های اصولی و همگرا و با بهره گیری از راهبردهای اندیشمندان مسلمان، این موج را درهم شکسته و موج جدید اسلام خواهی را ایجاد نمایند. از سوی دیگر ممکن است درگیری ها و عداوت غرب با اسلام، فراتر از درگیری ها و نزاع های دینی قلمداد گشته، به گونه ای که بتوان آن را در قالب یک مبارزه ایدئولوژیکی، با توجه به توان بالقوه اسلام برای مبارزه با فرهنگ غرب، بررسی نمود چرا که جهان شمولی قرآن دارای ویژگی ها و ظرفیت هایی است که می تواند به عنوان رقیب جدی جهانی شدن فرهنگ غربی قلمداد شود.

^{۱۲} چنانکه بعضی این حقیقت را گوشزد کرده اند که وقتی از جهانی شدن صحبت می کنیم باید متوجه باشیم که بیش از هر چیز به طریق کم و بیش خاصی اشاره می کنیم که جهان در مسیر یگانه شدن پیموده است و جهان - از حیث نظری - ممکن بود در مسیرهای متفاوتی به واحد یگانه ای تبدیل شود (ر.ک: رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۶۱)

۱.۷ جهانشمولی قرآن

برخی دانشمندان برای جهانشمولی و ابدیت دعوت اسلام چنین استدلال کرده اند: «دین اسلام دینی است جهانی و همیشگی که معارف و مقررات خود را روی پایه آفرینش و فطرت گذاشته و نیازمندی‌های انسان را منظور داشته است. از آنجا که فطرت و ساختمان انسان نیز در همه افراد مختلف و نژادهای متفاوت و زمان‌های متعدد، یکسان است و همگی در اصول و ارکان ساختمان انسانی شریکند، دین اسلام نیز که بر پایه همین فطرت و آفرینش انسانی بنا نهاده شده نیز جاودانه و همیشگی خواهد بود و اختصاص به دوره‌ای خاص، نسلی معین، ملتی ویژه و سرزمینی مشخص نخواهد داشت» (طباطبایی، بی‌تا: ۳-۲). برخی اندیشمندان هم با استناد به آیاتی از قرآن، سعی کرده اند که نشان دهند نزول آنها در مکه نشان دهنده داعیه جهانی اسلام است. طبق این نظریه، در قرآن مجید آیاتی هست که نزول آنها در مکه و در همان اوایل کار بعثت پیغمبر اسلام بوده و در عین حال جنبه ی جهانی دارد. یکی از این آیات آیه ای است در سوره تکویر که از سوره های کوچک قرآن است. این سوره از سوره های مکیه است که در اوایل بعثت نازل شده است. آن آیه چنین است: **إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ** «نیست این مگر یک تذکر و بیدارباش برای تمام جهانیان». (مطهری، بی‌تا: ۶۹)

بنا بر این نظریه، قرآن، جهانی بودن دعوت خویش را به همه اعلام کرده است. آیات: **و ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین** (انبیاء: ۱۰۷)، **قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا** (اعراف: ۱۵۸)، **تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین** (فرقان: ۱)، **ان هو الا ذکر للعالمین** (ص: ۷۸) همگی بر جهانی بودن دعوت قرآن تاکید دارد (قرضاوی، ۱۳۷۹: ۱۶۹). به هر حال فارغ از بررسی این استدلالات می توان گفت: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آخرین پیام آور از سوی خداوند شناخته می شود و اقتضای چنین امری، حجیت دعوت ایشان برای همه جهانیان است.

۲.۷ عناصر دعوت قرآن برای جهانیان

در این نوشتار بیان تفصیلی دعوت اسلامی و عناصر نظری و عملی تشکیل دهنده آن میسر نیست. لیکن می‌توان به بعضی از عناصر به نحو اجمال اشاره کرد که این عناصر، اصولی است که در نفس خود، برای همه انسانها، قابل درک و تصدیق است. اصول نظری بنیادین اسلام بر پایه توحید و معاد بنا شده که توسط اصل نبوت برای بشر بیان شده است. پیغمبر اکرم (ص) به مردم جهان اعلام کرد که در جهان هستی، تنها کسی که باید در برابر عظمت او سر تعظیم فرود آورد و تواضع نمود، خداست که آفریدگار و پروردگار جهان است. تنها خدای جهان آفرینش را باید پرستید نه بتهایی را که از سنگ و چوب ساخته شده اند و نه یکی از آفریدگان دیگر را مانند پیامبران خدا یا فرشتگان یا افراد بشر، که همه مانند ما آفریدگان خدا بوده و همگی به او نیازمندند و روزی، همه مردم در پیشگاه عدل الهی حاضر شده و به حسابشان رسیدگی خواهد شد (طباطبایی، بی‌تا: ۳۰-۳۱). قرآن از انسان می‌خواهد که از شرک پرهیز کنند و آن را ظلم بزرگی می‌داند که خداوند آن را نخواهد بخشید.

البته در این بین، برخی از دستورات اسلام از اهمیت بیشتری برخوردارند. این دستورات در دو عنوان کلی واجبات و محرمات قابل تبیین هستند. در بین واجبات، برخی مانند: نماز، زکات، حج، روزه و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام از اهمیت خاصی برخوردارند و از مهم ترین دستورات اسلام در بین محرمات هم میتوان به این موارد اشاره کرد: شرک نسبت به خداوند، نومیدی از رحمت خدا، احساس امنیت گناهکار از مکر خدا، عقوبت والدین، کشتن مومن، ربا، تصرف ظالمانه و ناحق در مال یتیم، قطع ارتباط با خویشاوندان (قطع رحم)، فرار از جنگ مسلمانان با کفار، غلول و خیانت، تعرب پس از هجرت، شراب و سایر مست کننده ها، زنا، لواط، قذف یا نسبت زنا دادن به زن مومن عقیف، سحر، قسم دروغ، شهادت ناحق و کتمان شهادت، ترک نماز، عدم پرداخت زکات و کم فروشی.

۳.۷ راهبردهای فرهنگی جهانی شدن فرهنگ قرآنی

ابزار جهانی شدن فرهنگ قرآنی، در دعوت تمامی انسان‌ها به اسلام نهفته است. به سخن دیگر، دعوت انسان‌ها به

اسلام، ابزار جهانی شدن فرهنگ قرآن است و سیاست گذاری جهت تبلیغ تصویر صحیح از اسلام به جهانیان، با حکمت، موعظه و خیرخواهی و جدال احسن، راهکار مناسبی برای سیاست گذاری فرهنگی در عرصه جهانی است. اما روشی که در قرون اولیه اسلامی، تحت عنوان جهاد ابتدایی برای دعوت اسلامی صورت می گرفت، نیازمند واکاوی است خصوصا در زمان کنونی که از دیدگاه تشیع، حجت الهی، غایب است.

۱،۳،۷ شیوه های تبلیغی در کشورهای مسیحی

یکی از ادیانی که مانند اسلام، پیروان فراوانی دارد، دین مسیحیت است، اما متاسفانه اسلام هراسی، طی سالهای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مصادیق اسلام هراسی و اسلام ستیزی در جهان غرب افزایش محسوسی داشته است. (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۳) از این رو شایسته است که چهره حقیقی اسلام برای مسیحیان تبیین شود تا در پرتو آن، پیرایه هایی که به نام اسلام، مطرح می شود از بین برود. در اینجا ذکر این نکته لازم است که تبلیغ اسلام نباید با توسل به قاعده «هدف، وسیله را توجیه می کند» صورت گیرد یعنی نباید برای جذب مخاطب، برخی مطالب و معارف قرآن که با ذائقه مخاطب سازگار است، گزینش و ارائه شود تا او جذب شود، به سخن دیگر، ارائه ی چهره ای از اسلام که خوشایند مخاطب باشد، بدون ارائه آن چه واقعا هست، نادرست است و اساسی ترین راهکار فرهنگی برای تبلیغ پیام اسلام، ارائه ی شفاف و صادقانه پیام اسلام است.

۲،۳،۷ شیوه های تبلیغی در سایر کشورها

قرآن همان گونه که با اهل کتاب سخن می گوید، با دیگران نیز سخن گفته است. در بعضی موارد، مخاطب را به تعقل فرا می خواند و کسانی را که کورکورانه از آباء و اجداد خود تقلید می کنند، مذمت می کند: و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه اباءنا او لو كان اباؤهم لايقلون شيا و لايهتدون (بقره: ۱۷۰). آغاز گفتگو با دیگران با این آیات قرآنی، دعوت به امری فطری است و هر کسی را میتوان مخاطب قرار داده و از وی خواست که در مورد اندیشه و باور خود تامل کند و راستی و درستی آن را بررسی کند، اما بعد از دعوت به تفکر، تعقل باید دانست که این گروه ها بسیار متفاوتند: برخی اهل کتاب آسمانی هستند، برخی ادیان دیگری دارند و برخی نیز پوچ گرا بوده و به حیات دیگری اعتقاد ندارند، از این رو لازم است که با هر گروه با زبان خودشان گفتگو کرد و آیات متناسب خودشان را برای آنها تلاوت کرد. به عنوان نمونه، بعضی آیات قرآن، در مواجهه با پوچ گرایان قابل گفتگو است، چنانکه قرآن، حیات دنیوی را لهو، لعب و تفاخر می داند و آن را چنین مثال می زند: و اضرب لهم مثل الحياه الدنيا كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيمًا تذروه الرياح (کهف: ۴۵) اما در عین حال این نکته را بیان می کند که بعد از این دنیا، انسان به سوی خداوند رجوع می کند: افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انکم الینا لا ترجعون: آیا پنداشتید که خلقت را بیهوده انجام دادیم و شما به سوی ما باز نمی گردید؟ او لم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى. آیات دیگری نیز هست که می توان آنها را استقصاء کرده و ارائه داد تا پیام دعوت الهی به تمام مردم، ابلاغ شود.

۸. نتیجه گیری

جهانی شدن، به عنوان «درهم آمیزی اقتصاد، جامعه شناسی، سیاست، فرهنگ و رفتارها از طریق نفی مرزها و حذف پیوستگی های ملی و اقدام های دولتی» به عنوان یک فرایند، تعریف می شود و نتیجه فرایند جهانی شدن، شکل گرفتن جامعه ای فراملی است که قوانین و ارزشهایی فراملی بر ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن حکمفرما خواهد بود، اما آنچه اکنون در حال رخ دادن است، به عنوان یک فرایند شناخته نمی شود بلکه اراده انسانی، این فرایند را به سمت و سوی خاصی هدایت می کند چنانکه در بُعد فرهنگی این فرایند، به علت نقش آفرینی پررنگ عناصر فرهنگ غربی، چیزی جز صدور کالاها، ارزش ها و اولویت های شیوه زندگی غربی نیست، فرهنگی که شاخصه های اصلی آن را: فردگرایی، لیبرالیسم، قانونگرایی، حقوق بشر، آزادی، برابری زن و مرد، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار، بازار آزاد و اقتصاد سود محور بازار

تشکیل می دهد.

در مقابل مبانی عقیدتی پنهان که پشتوانه جهانی سازی فرهنگ غربی شمرده می شود، رقیبان دیگری نیز مدعی جهانی شدن هستند و یکی از قدرتمندترین رقبای قرآن و دین اسلام است که داعیه جهانشمولی دارد. دین اسلام، دینی است جهانی و همیشگی که معارف و مقررات خود را روی پایه آفرینش و فطرت گذاشته و نیازمندی های انسان را منظور داشته است و دعوت خود را بر اساس واقع بینی و پیروی از حق که فطری بشر است، بنا نهاده و مردم را به آنچه با فطرت خود درک می کنند دعوت می نماید و ابزار جهانی شدن فرهنگ قرآنی، در دعوت تمامی انسان ها به اسلام نهفته است و سیاست گذاری جهت تبلیغ تصویر صحیح از اسلام به جهانیان، با حکمت، موعظه و خیرخواهی و جدال احسن، راهکار مناسبی برای سیاست گذاری فرهنگی در عرصه جهانی است، البته راهکار دعوت اسلامی برای مخاطبین متعدد، متفاوت بوده و برای هر کدام باید آیات متناسب خودشان را ارائه داد تا با زبان مشترک بتوان به تفاهم رسیده و دعوت اسلامی را تبیین نمود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- بای، عبدالرضا ۱۳۹۲، گفتمان جهانی شدن، هژمونی و تحول نظام جهانی از ژئوپولیتیک به ژئوکالچر، نشریه مطالعات سیاسی، دوره ۵، شماره ۲۰
- بایبوردی، اسماعیل، و کریمیان، علیرضا، ۱۳۹۳، جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۸
- رابرتسون، رونالد، ۱۳۸۰، تئوری اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، تهران، چاپ اول، نشر ثالث.
- رشیدپور، علی، شاهنورزوی، مهدی، و ایرانپور، سارا، ۱۳۹۳، اقتصاد، فرهنگ و جهانی شدن: مفاهیم و نظریه ها، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- سجادی، سید عبدالقیوم، ۱۳۸۲، حکومت جهانی اسلام و جهانی شدن در: جهانی شدن دین، فرصت ها و چالش ها، جواد صاحبی (گردآورنده)، قم، ناشر: احیاگران.
- شجاعی زند، علی رضا، ۱۳۸۲، دین و جهانیت، جهانی شدن، جهانی سازی و جهانی گرایی در: جهانی شدن دین، فرصت ها و چالش ها، جواد صاحبی (گردآورنده)، قم، ناشر: احیاگران.
- طالقانی، حمید رضا، ۱۳۸۲، فرایند جهانی شدن در دو نگاه، در: جهانی شدن دین، فرصت ها و چالش ها، جواد صاحبی (گردآورنده)، قم، ناشر: احیاگران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی تا، عقاید و دستورهای دینی، تهران، دفتر نشر میثم.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۷۹، ویژگی های کلی اسلام، ترجمه: جلیل بهرامی نیا، تهران، چاپ اول، نشر احسان.
- قنبرلو، عبدالله، ۱۳۸۹، یازده سپتامبر و گسترش پدیده اسلام هراسی در غرب، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، پاییز و زمستان، شماره دوم، ص ۱۰۳
- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۸۲، نقش فرهنگ در فرایند جهانی شدن، در مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش ها و فرصت ها، محمد توحیدفام (گردآورنده)، تهران، چاپ اول، انتشارات روزنه.
- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۳، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران، چاپ دوم، نشر نی.
- گل محمدی، یحیی، ۱۳۸۲، جهانی شدن و فرهنگ در مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش ها و فرصت ها، محمد توحیدفام (گردآورنده)، تهران، چاپ اول، انتشارات روزنه.
- لاتوش، سرژ، ۱۳۷۹، غربی سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، تهران، چاپ اول، قصیده.

لگرین، فیلیپ، ۱۳۸۲، جهان باز، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
مالک، محمد رضا، ۱۳۸۲، جهانی شدن اقتصاد، تهران، چاپ اول، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
مطهری، مرتضی، بی تا، مجموعه آثار شهید مطهری جلد ۱۴، تهران، صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر، بی تا، تفسیر نمونه جلد دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
هرمیداس باوند، داوود، ۱۳۸۲، ما و غرب : چالش های فرهنگی ایران و غرب در عصر جهانی شدن در مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش ها و فرصت ها، محمد توحیدفام (گردآورنده)، تهران، چاپ اول، انتشارات روزنه.
هلد، دیوید، و مک گرو، آنتونی، ۱۳۸۲، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، چاپ اول، انتشارات ققنوس.

Universality of Quran and Globalization of Culture

Abolfazl Saadati, PhD

Assistant Professor, Department of Islam's Teaching, Sabzevar University of Medical sciences, Iran

Abstract

Globalization and its wide consequences in the field of culture is one of the most important cultural issues and challenges of countries that are trying to preserve their culture, because the passivity and transformation of other cultures in friction with the culture that is in the process of globalization takes the whole world towards its, the importance of this process has doubled. On the other hand, explaining the relationship between globalization and the teachings of the Qur'an that inspires the universality of this school is very important for Muslim thinkers who theorize in social fields, because cultures that claim universality; They will have more challenges with the globalization of culture.

This article tries to show the role of mass communication media in the globalization of culture by explaining the concept of globalization of culture and its relationship with western culture, so that globalization that is directed to human will and globalization that is being a process can be judged in its light. After determining the role of human will in the process of globalization; The universality of the Qur'an will be discussed and in the end; The cultural strategies of the globalization of Quranic culture at the international level will be mentioned.

Key Words: Globalization; Quran; Western Culture; Universality of Quran.